

رونمایی از تعرفه‌های بیمه دندان پزشکی سال ۹۹

معاینه و تشخیص	تعرفه عمومی	تعرفه خصوصی
ویزیت و طرح درمان	۳۲۴۰۰۰	۴۹۲۰۰۰
کشیدن دندان قدامی	۱۰۷۰۰۰۰	۱۳۶۰۰۰۰
کشیدن دندان خلفی	۱۳۵۰۰۰۰	۱۷۲۰۰۰۰
کشیدن دندان عقل	۱۵۸۰۰۰۰	۱۹۶۰۰۰۰
ترمیم یک سطحی	۲۰۶۰۰۰۰	۲۶۱۰۰۰۰
ترمیم دو سطحی	۲۴۸۰۰۰۰	۳۱۳۰۰۰۰
ترمیم سه سطحی	۲۷۰۰۰۰۰	۳۴۱۰۰۰۰
جرم‌گیری دو فک بزرگ سال	۱۷۲۰۰۰۰	۱۷۲۰۰۰۰
درمان ریشه یک کاناله	۲۸۲۰۰۰۰	۳۵۱۰۰۰۰

دندان پزشکی سال ۹۹ را به شرکت‌های بیمه ابلاغ کرد. تعرفه‌های دندان پزشکی سال ۹۹ در کارگروه تخصصی درمان سندیکا با هماهنگی شرکت‌های بیمه تدوین و در آن نرخ خدمات مختلف دندان پزشکی مشخص شده است. گفتنی است هزینه‌های دندان پزشکی تا زمانی که تعرفه‌ای در این خصوص توسط شورای عالی بیمه سلامت ابلاغ نشده باشد، بر اساس تعرفه‌ای محاسبه و پرداخت خواهد شد که سالیانه توسط سندیکای بیمه‌گران ایران تنظیم و ابلاغ می‌شود.

راحله شعبانی- امروزه با بالا رفتن هزینه‌های دندان پزشکی، داشتن بیمه دندان پزشکی راه حلی مناسب برای کنترل هزینه‌های سلامت دهان و دندان است. بیمه دندان پزشکی از آن جا اهمیت پیدا می‌کند که به طور متوسط هر ایرانی ۲ تا ۳ دندان نیازمند به ترمیم یا پوسیده دارد که باید برای درمان آن‌ها آستین‌ها را بالا بزند! سندیکای بیمه‌گران ایران در راستای اجرای وظایف قانونی خود تعرفه‌های دندان پزشکی سال ۹۹ را با هماهنگی شرکت‌های بیمه تنظیم و ابلاغ کرد. سیدمحمد کریمی دبیر کل سندیکا تعرفه‌های

مسیر بورس در پسا حمایت

نگاهی به اثر حمایت‌های اخیر بر روند حرکت بورس در ماه‌های آینده و بررسی برخی ابزارهای جدید از جمله اوراق اختیار فروش

جواد غیاثی
تحلیل‌گر بورس

حمایت‌های اخیر از بازار سرمایه چندین محور داشته و دارد که یکی از آن‌ها تقویت ابزارهایی نظیر اسناد خزانه و انتشار اوراق اختیار فروش سهام است. هفته قبل ضمن تحلیل کلیت روند بازار، اشاره ای به آثار این حمایت‌ها و چشم‌انداز بازار بعد از آن داشتیم. این هفته ضمن اشاره ای کوتاه به تحلیل‌ها از روند کلی بازار سرمایه، به طور دقیق‌تر در خصوص اوراق اختیار فروش که به بیمه سهام هم شناخته می‌شود می‌پردازیم.

در این شرایط، انتظار برای رشد تدریجی بازار و شاخص وجود دارد اما باید دقت کرد که بهترین استراتژی سهامداری در این شرایط باید کوتاه مدت و نزدیک به نوسان‌گیری باشد یا بلندمدت که در آن سهم‌ها در اثر رشد سودآوری رشد کنند. چرا که رشد فعلی در اثر حمایت است و این حمایت به طور منطقی نباید بازار را به سمت حبابی شدن مجدد پیش ببرد.

بازار صعودی یا بازار نوسانی؟

هفته قبل شاخص کل بورس حدود ۱۵۰ هزار واحد رشد کرد و از یک میلیون و ۵۵۶ هزار واحد به یک میلیون و ۷۰۴ هزار واحد رسید. این رشد ۱۰ درصدی یک هفته را می‌توان گواهی قوی بر خروج بازار از فاز خرسی دانست. اما همان‌طور که هفته قبل با اشاره به شرایط بازار و انگیزه‌های سیاست‌گذار تشریح کردیم، انتظار ورود بازار به فاز گاوی، نمی‌تواند محتمل باشد. علل و شواهد متعددی در این خصوص وجود دارد، از جمله:

۱- تکرار رشد افسارگسیخته قبلی و رسیدن شاخص به ارقامی چون ۳ میلیون واحد، دوباره بازار را در معرض ریزش سنگین قرار می‌دهد که خود معضلی بزرگ برای دولت خواهد بود. اگر سیاست‌گذار عاقل باشد، بازار را به سمت منطق و تعادل سوق خواهد داد نه حبابی شدن! ۲- فعال شدن بازارگردانی‌ها که مورد تأکید سازمان بورس است، به معنی متعادل کردن و نقدشوندگی شدن بازار است. یعنی خرید در قیمت‌های پایین و صف‌های فروش و فروش در قیمت‌های بالا و صف‌های خرید ۳- طی دو روز انتهایی هفته قبل که بازار صعودی بود حقوقی‌ها فروشنده خالص بودند. چیزی شبیه شرایط انتهایی تیر و اوایل مرداد که حقوقی‌ها در نمادهای مختلف فروشنده خالص بودند. البته آن موقع اثر فروش حقوقی‌ها خود را با تأخیر و از نیمه دوم مرداد نشان داد اما اکنون این گونه نیست ۴- هنوز هم بسیاری از اهالی بازار ترس از توقف روند صعودی بیشتر دارند. بنابراین انتظار برای هجوم پول‌های حقیقی به بازار و خنثی کردن اثر فروش حقوقی‌ها معقول نیست. ۵- نوسانات هفته قبل و غلبه فروش انتهایی روز چهارشنبه، گواه بر این شرایط است.

بازار و شاخص افت می‌کند یا رشد؟

موارد فوق به معنی ریزش بازار نیست، بلکه همان‌طور که هفته قبل تصریح شد، برای پیشگیری از ورود مجدد بازار به فاز خرسی، لازم است که روند صعودی ملایمی در بازار وجود داشته باشد تا به مرور تعادل ایجاد شود. در این میان نمادهای بزرگ

و دارای پشتوانه بنیادین، نقش مهمی در رشد شاخص دارد و سرمایه‌گذاران در این نمادها هم که در حوضی قیمتی خرید داشته‌اند اکنون سود مناسبی کسب کرده‌اند. مثلاً نمادی مثل فولاد کاوه که بر اثر افت هیجانی بازار بسیار افت کرده بود، بعد از بازگشت بازار بیش از ۴۰ درصد رشد کرده است. نمادهای بانکی، برخی پتروشیمی‌ها و فولادی‌های دیگر نیز این گونه‌اند. اما بخش بزرگی از نمادهای کوچک غیردلاری همچنان منفی یا متعادل‌اند. نشانه واضح این است که هفته قبل در کنار رشد حدود ۱۰ درصدی شاخص کل، شاخص کل هم وزن کمتر از یک درصد رشد کرد! این موضوع دو علت دارد: ۱- حمایت‌ها عمدتاً از نمادهای بزرگ است ۲- سهامداران در تلاش برای خروج از کوچک‌ترها و ورود به سهم‌های بزرگ هستند که این خود باعث فشار مضاعف به سهم‌های کوچک شده است. در این شرایط، انتظار برای رشد تدریجی بازار و شاخص وجود دارد اما باید دقت کرد که بهترین استراتژی سهامداری در این شرایط باید کوتاه مدت و نزدیک به نوسان‌گیری باشد یا بلندمدت که در آن سهم‌ها در اثر رشد سودآوری رشد کنند. چرا که رشد فعلی در اثر حمایت است و این حمایت به طور منطقی نباید بازار را به سمت حبابی شدن مجدد پیش ببرد. یکی از حمایت‌های مطرح شده، بحث انتشار اوراق اختیار فروش است که برخی سهم‌های بزرگ هم اکنون منتشر می‌کنند و از این به بعد تقویت خواهد شد. اما این ابزار اصولاً نقشی در صعودی یا نزولی شدن بازار ندارد بلکه صرفاً می‌تواند به مدیریت سرمایه‌گذاری و کنترل ریسک کمک کند.

اختیار فروش چیست و چگونه کار می‌کند؟

اختیار فروش ابزاری است که روی یک دارایی پایه (کالا، سهام و ...) منتشر می‌شود و خریدار آن حق خواهد داشت در تاریخ معین کالا یا سهام مربوط را در قیمت مشخص بفروشد و فروشنده آن موظف است در صورت درخواست خریدار، کالا یا سهام را به قیمت معین بخرد، ولو این که قیمت آن کالا در بازار کمتر

باشد. مثلاً فرض کنید که فردی قصد فروش خودروی خود را دارد اما می‌خواهد آن را برای سفرهای فعلی در اختیار داشته باشد و بعد از یک دوره مسافرت، مثلاً در انتهای مهرماه، آن را بفروشد. اما از افت قیمت خودرو در بازار هراس دارد. در این شرایط یک بنگاه هم‌حضور دارد که حاضر است در ازای دریافت مبلغی، یک قیمت حداقلی خرید در تاریخ ۳۰ مهرماه را نیز تضمین کند. مثلاً اعلام می‌کند که در ازای دریافت ۵ میلیون تومان، خرید خودرو در قیمت ۱۰۰ میلیون تومان در تاریخ ۳۰ مهر را تضمین می‌کند. در این شرایط فرد خیالش از قیمت راحت است. اگر تا سررسید (۳۰ مهر) قیمت خودرو مربوط بیشتر از ۱۰۰ میلیون تومان بود که فرد نیازی به استفاده از اختیار فروش خود ندارد اما اگر کمتر از این مقدار بود، می‌تواند از اختیار فروش استفاده کند و خودرو را به قیمت ۱۰۰ میلیون تومان بفروشد.

این ابزار هم اکنون در بازارهای مالی روی انواع کالاها و سهام تعریف می‌شود. موعید سررسید (۳۰ مهر در مثال فوق) و قیمت اعمال (۱۰۰ میلیون تومان در مثال فوق) توسط ناظر بازار یا منتشرکننده تعیین می‌شود اما قیمت اختیار فروش (۵ میلیون تومان در مثال فوق) در بازار و بر اساس نرخ‌های روز و عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. مثلاً ممکن است در روزهایی که قیمت خودرو در بازار نزولی است قیمت اختیار فروش در



مثال فوق تا ۲۰ میلیون تومان رشد کند و وقتی بازار صعودی است قیمت اختیار فروش کاهش می‌یابد. هم‌اکنون می‌توانید اختیار فروش نمادهای بزرگ فولادی، بانکی، پتروشیمی و ... را در تابلوی بورس ببینید. این ابزارها البته بسیار کم‌معماله می‌شوند و قیمت شفافی ندارند. مثلاً فولاد مبارکه در سررسید آبان ۹۹ چندین اختیار فروش (در قیمت‌های اعمال مختلف) دارد که به تازگی یک بار هم معامله نشده است! یک علت این موضوع، ماهیت پیچیده ابزار مشتقه (که اختیارات یا OPTIONS یکی از آن‌هاست) نسبت به سهام است که در کنار این پیچیدگی به خاطر خاصیت اهرمی (سود و ضرر چند برابر مقدار رشد یا افت بازار) ریسک این ابزارها هم زیاد است. بنابراین بعد از این نیز انتظار برای استقبال گسترده از این ابزارها وجود ندارد و حتی اگر موردقبال هم قرار بگیرد نمی‌تواند حائز اهمیت و اثر بر کلیت بازار باشد. بلکه آن چه مهم است، همچنان مثل چهار ماه اول امسال، جهت نقدینگی و در کنار آن وضعیت حمایت و جهت معامله حقوقی‌هاست. ضمن این که حساسیت‌ها به اظهارات و مواضع دولت هم بیشتر شده است. چنانچه بازار از هم‌اکنون نگران وعده پیروزی بزرگ در روزهای شنبه و یک شنبه است. چرا که خاطره بسیار بدی از وعده گشایش اقتصادی دارد.